

یادداشت



آرش سعیدی راد
پژوهشگر علوم سیاسی و دبیر سیاسی
دوماهنامه آمریکاشناسی

افول هژمونی ایالات متحده آمریکا و نظم جدید جهانی

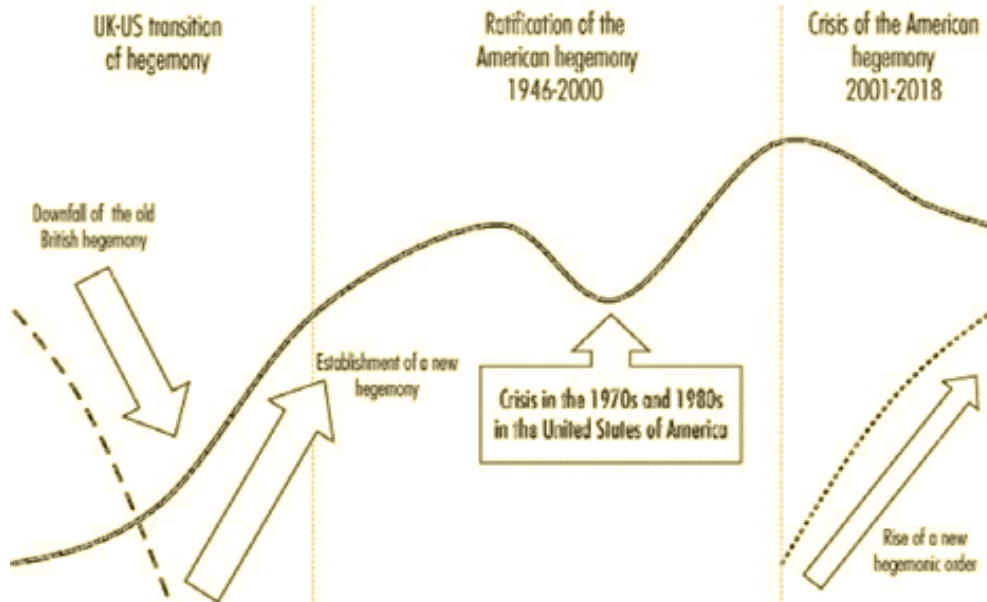
به نظرمی‌رسد علاوه بر این‌که قدرت‌هایی در حال ظهور هستند، نظم آمریکایی هم با بحران‌های مواجه شده است و بیش از پیش، افول هژمونی آمریکا و شکل‌گیری نظم جدیدی در جهان را نمایان ساخته‌اند. هدف این یادداشت، بررسی افول هژمونی ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از برجسته‌ترین بحران‌های نظم جهانی مدرن و شکل‌گیری نظم جدید جهانی است.



یا به اصطلاح بحران رهبری آمریکا و شکل‌گیری نظم جدید جهانی را برجسته کرده است؛ بنابراین در قرن بیست و یک، شاهد یک سری تغییرات اساسی در سراسر جهان بوده‌ایم که چالش‌های عمده‌ای را برای هژمونی آمریکا، ایجاد کرده است. از این رو، پیش‌بینی می‌شود که ممکن است جهان با تغییرات روبرو باشد و شرایط کنونی، بهترین نمونه و زمان مناسب برای بررسی این موضوع است.

درست است که ایالات متحده به ابرقدرت هژمونی تبدیل شد و در حال حاضر از نظر اسمی، قدرت اول جهان شناخته می‌شود؛ اما دوره‌های انزوای نسبی سرمایه‌داری و دخالت کامل در امور بین‌الملل (پس از جنگ جهانی دوم و خصوصاً از سال ۱۹۹۰ به بعد) و...، آمریکا را عمیقاً در روند افول هژمونی خود قرار داده که بازایی از آن دشوار خواهد بود و در واقع، آمریکا وارد مرحله‌ای از افول شبیه افول هژمونی انگلستان شده است. از سوی دیگر، امروزه شاهد ظهور چین و تا حدودی کشورهایمانند آلمان، روسیه، هند و...

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به بعد، به عنوان یک قدرت مسلط در نظام بین‌الملل ظهور کرد. از آن زمان تا سال ۲۰۰۷، توانست همچنان خود را به عنوان بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی دنیا حفظ کند و بیشترین سهم را در ساختار توزیع قدرت، عاید خود نماید. در این برهه زمانی (۱۹۴۱-۲۰۰۰)، حوزه نفوذ خود را به ماورای اروپا و غرب آسیا گسترش داد و هژمونی مطلق خود را تثبیت کرد؛ بنابراین، پایان جنگ جهانی و جنگ سرد، فرصتی را برای ایالات متحده فراهم نمود تا در راستای تفوق بر ساختار توزیع قدرت گام بردارد؛ اما از سوی دیگر، فضای جدید خصوصاً بعد از حمله یازده سپتامبر، این زمینه را نیز فراهم کرد تا قدرت‌های جدید که در گذشته درگیر روابط راهبردی میان شرق و غرب بودند، بدون چنین دغدغه‌هایی به بسیج منابع خود پردازند. این مسئله زمینه‌ساز ظهور قدرت‌های جدید در قرن بیست و یک شد. نتیجه این سیر تحولات در دو دهه گذشته، یک سری بحران‌ها در نظم جهانی به وجود آورد که افول هژمونی آمریکا



قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰ بود که برای انگلستان اتفاق افتاد. حباب مذکور در سال ۲۰۰۸، جای خود را به بحران سال ۲۰۰۹ داد. از آن زمان، ایالات متحده در رکود عمیقی قرار گرفت که به لطف زورگویی سیاسی-نظامی و امنیتی، در حال بهبود است. از طرف دیگر، ایالات متحده در وضعیتی مشابه آنچه کینز^۳ آن را «تله نقدینگی»^۴ می‌نامد، گرفتار شده است؛ چراکه با وجود نقدینگی زیاد در جهان، رشد قابل توجهی در سرمایه‌گذاری مولد و اشتغال ایجاد نمی‌کند. در حالی که باعث ایجاد عدم اطمینان و احتکار جهانی و همچنین، افزایش بدهی می‌شود و رشد اقتصادی قوی ایجاد نمی‌کند؛ اما چین، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در صادرات و تولید را در طول دوران ورشکستگی آمریکایی حفظ کرده، درست مانند آنچه در سال‌های ۱۸۷۰ و ۱۹۲۸ در مورد ایالات متحده و انگلستان، رخ داده است.

در اوایل این دهه (۲۰۲۱ و ۲۰۲۲)، می‌بینیم که روند تحول اقتصاد جهانی سریع‌تر از هر زمان دیگری پیش می‌رود و مهم است که به گذشته نگاه کنیم تا اهمیت این تغییرات به وجود آمده را بسنجیم. در این راستا، گلوبال ترندز^۵، معتقد است تا سال ۲۰۳۰، ایالات متحده دیگر هژمونی جهانی را یدک نخواهد

مشابه ظهور ایالات متحده آمریکا به صحنه هژمونی جهانی هستیم که به نظر می‌رسد در آینده، شاهد نظم جدید جدیدی در جهان خواهیم بود. در واقع، حمله یازدهم سپتامبر، کلید افول هژمونی مطلق ایالات متحده بود، زیرا به پایان گسترش اقتصادی آن ختم شد. حمله یازدهم سپتامبر، چالش آشکاری برای هژمونی نظامی و سیاسی آن بود. از طرف دیگر، پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی، مجموعه‌ای از حقایق تاریخی را تشکیل می‌دهد که بیانگر آغاز فرآیند انتقال هژمونی است، اما آنچه منجر شد که سرنوشت هژمونی آمریکا، سرنوشت هژمونی انگلستان گره زده شود، حباب «دات کام»^۱ بود که مشابه حباب مالی (املاک و مستغلات) در پایان

۱. dot com حباب دات کام: اشاره به حبابی دارد که در سال‌های پایانی قرن بیستم، به واسطه فعالیت شرکت‌های اینترنتی در بورس آمریکا به وجود آمد. سال‌های پایانی دهه نود میلادی، دوران رشد شگفت‌انگیز کسب‌وکارهای آنلاین بود. اینترنت به تازگی فراگیر شده بود و همه احساس می‌کردند که این اختراع تازه، قرار است آینده زندگی انسان را تسخیر کند. بسیاری از کسب‌وکارها، با علاقه و افتخار پیشوند e را به اسم خود می‌افزودند تا تأکید کنند که الکترونیکی و اینترنتی هستند و مردم هم با دیدن این پیشوند، با امید و اعتماد، روی آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کردند؛ اما این وضعیت خوش‌بینانه، در سال ۲۰۰۰ در هم شکست و حباب بورسی شرکت‌های اینترنتی ترکید. به شکلی که قیمت سهام شرکت سیسکو که امروزه برای همه‌ی ما شناخته شده است، از ۸۰ دلار به ۱۴ دلار و سهام شرکت آمازون از ۱۰۷ دلار به ۱۷ دلار کاهش یافت (میرعبادی، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۶). جالب اینجاست که سیسکو و آمازون، هنوز خوش‌شانس‌های آن ماجرا بودند، چراکه به رغم سقوط شدید در بازار سرمایه، از ترکیدن حباب دات کام‌ها در سال ۲۰۰۰ جان سالم به در بردند. در حالی که شرکت‌های بسیاری زیادی در آن زمان ناپدید شدند و امروزه نامی از آن‌ها وجود ندارد. در آن سال‌ها بخش مهمی از

سرمایه مردم در بورس، به سمت شرکت‌های اینترنتی و آنلاین رفته بود. به همین علت، کل شاخص NASDAQ (نزدک) هم به همراه این حباب، رشد کرده و در نهایت هم با ترکیدن حباب سقوط کرد.

۲. میزان بدهی ملی دولت آمریکا در این سال (۲۰۰۸) برای نخستین بار از مرز ۱۰ تریلیون دلار گذشت و افزون بر ۳۲۸۹۵ دلار برای هر آمریکایی شد (میرعبادی، ۱۳۸۷: ۹۵).

۳. Keynes

۴. liquidity trap

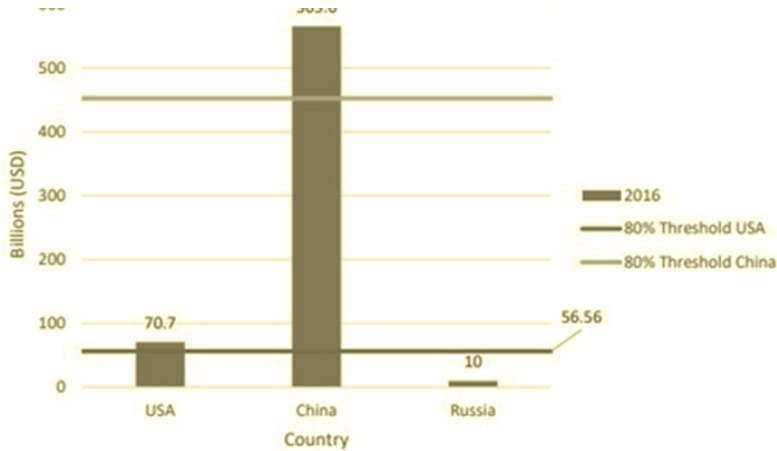
۵. Global Trends

ظهور ایالات متحده به عنوان یک هژمونی جهانی، در حال حاضر خود را در یک فرآیند مهم تغییر می بیند که در آن، بحث های مداوم در مورد مقصد نهایی هژمونی جهانی آمریکا وجود دارد. دغدغه اصلی این بحث، سنجش دقیق سطح فعلی افول آمریکا نیست، بلکه نقش هژمونی آن در جهان در مواجهه با ظهور چین و دیگر کشورهای جهان پیرامون است. به این ترتیب، می توان نتیجه گرفت که اگر چه ایالات متحده آمریکا همچنان قدرت اصلی جهانی است، اما به دلایل مختلفی از جمله تقسیم کار بین المللی (وضعیتی که همیشه کمتر مولد و رقابتی است)، شرایط داخلی (تولیدی، نهادی و اجتماعی) و همچنین، فقدان قابلیت های رقابتی در سطح

کشید که بخواهد در سرنوشت جهان، نقش داشته باشد و مجبور خواهد بود هژمونی جهانی را با چین به اشتراک بگذارد؛ زیرا دهه دوم قرن ۲۱، چین از نظر اقتصادی برتری جهان شده است؛ بنابراین تا سال ۲۰۳۰، دیگر هیچ کشوری وجود نخواهد داشت که الزامات مورد نیاز برای اعمال هژمونی مطلق را مانند ایالات متحده برآورده کند تا جهان به سمت نظم چندقطبی پیش برود. البته ایالات متحده همچنان دارای برتری مهم فنی، علمی و تجاری است، اما باید اضافه کرد که راه روی به جلوی چین به دلیل فقدان فضای سیاسی و سایر الزامات اجتماعی، نهادی، فرهنگی و محیطی، هنوز کاملاً محدود است (در جداول و نمودارهای بعدی مشاهده خواهید کرد).

سال	تولید ناخالص داخلی (\$)		PPP تولید ناخالص داخلی (\$)		سرانه تولید ناخالص داخلی (\$)		PPP سرانه تولید ناخالص داخلی (\$)		% رشد	
	آمریکا	چین	آمریکا	چین	آمریکا	چین	آمریکا	چین	آمریکا	چین
۲۰۲۰	۲۰,۹۳۲.۷	۱۴,۷۲۲.۸	۲۰,۹۳۲.۷	۲۴,۱۴	۶۳,۴۱۶	۱۰,۴۸۴	۶۳,۴۱۶	۱۷,۱۹۲	۳۵.۰۵	۲.۲۷
۲۰۲۱	۲۲,۶۷۵.۲	۱۶,۶۴۲.۳	۲۲,۶۷۵.۲	۲۶,۶۵	۶۸,۳۰۹	۱۱,۸۱۹	۶۸,۳۰۹	۱۸,۹۳۱	۶.۳۸۶	۸.۴۳
۲۰۲۲	۲۴,۰۰۳.۷	۱۸,۰۱۳.۴	۲۴,۰۰۳.۷	۲۸,۷۷	۷۱,۸۹۶	۱۲,۷۶۳	۷۱,۸۹۶	۲۰,۳۹۲	۳۵.۱۵	۵.۵۷
۲۰۲۳	۲۴,۸۹۲.۶	۱۹,۴۲۳.۴	۲۴,۸۹۲.۶	۳۱,۰۳	۷۴,۱۳۰	۱۳,۷۳۶	۷۴,۱۳۰	۲۱,۹۴۵	۱.۴۱۰	۵.۴۳
۲۰۲۴	۲۵,۷۹۰.۱	۲۰,۹۱۰.۴	۲۵,۷۹۰.۱	۳۳,۳۵	۷۶,۳۶۲	۱۴,۷۶۵	۷۶,۳۶۲	۲۳,۵۴۹	۱.۴۸۱	۵.۲۷
۲۰۲۵	۲۶,۷۱۹.۶	۲۲,۴۸۱.۴	۲۶,۷۱۹.۶	۳۵,۷۴	۷۸,۶۶۰	۱۵,۸۵۵	۷۸,۶۶۰	۲۵,۲۱۲	۱.۶۰۷	۵.۱۲

مقایسه شاخص های انتخاب شده برای چین و آمریکا



بودجه آموزشی چین، روسیه و آمریکا

می‌کشد، دارایی‌های آلمان به حدی ناچیز است که دستیابی به هژمونی جهانی برای آن، دشوار است و تنها به‌عنوان یک رهبر منطقه‌ای شرکت می‌کند. در این راستا، روسیه کشور مهمی است، اما در سایر شاخص‌ها عقب‌است، به‌طوری‌که تنها به‌عنوان یک رهبر منطقه‌ای حضور خواهد داشت. زیرساخت‌های هوایی و راه‌آهن در ایالات متحده، بسیار برتر است، اما چین پیشرفت‌های قابل توجهی را تجربه می‌کند. رهبری مالی و پولی ایالات متحده (به دلیل سلطه دلار) حفظ شده است، اما چین نیز دارای بانک‌های پیشرو در سطح جهانی است. ایالات متحده آمریکا در زمینه علم و فناوری با حمایت دانشگاه‌های بزرگ و رهبری آن، همچنان حفظ شده است و هنوز هم در بیشتر نوآوری‌ها (ریاتیک، نانو تکنولوژی، پیشرفت‌های پزشکی، زیست‌شناسی مصنوعی، پرینت سه‌بعدی و...)، دست برتر را دارد، البته با توجه به پیشرفت چین، آلمان، روسیه، کره و... حفظ آن دشوار است. از دیگر عوامل مؤلفه‌هایی که آمریکا از رقیب خود (چین) عقب مانده، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و

جهانی در حفظ قدرت هژمونی خود، ناتوان شده است. از طرف دیگر، عدم اطمینان ناشی از پیامدهای احتمالی سیاست‌های تجاری دونالد ترامپ، فرسودگی زیرساخت‌ها، جمعیت پیر در این کشور و کاهش رهبری آن در غرب آسیا، نشان می‌دهد که جهان به سمت نظم جدید جهانی پیش می‌رود که کشورهایی مانند چین، روسیه، آلمان، هند و... نقش مهمی در ایجاد تعادل آن نقش داشته‌اند. دقیقاً مشابه آنچه در قرن بیستم برای ایالات متحده در مقابل هژمونی انگلستان رخ داد، برای چین در مقابل هژمونی آمریکا، در حال رخ دادن است. با وجود این، فراتر از تجزیه و تحلیل تولید و ساخت، به خوبی دیده می‌شود که چگونه ایالات متحده آمریکا در شاخص‌های هژمونی جهانی، مسیر افول در پیش گرفته است.

در تحلیل سرزمینی، ایالات متحده آمریکا از نظر گستره، جمعیت و منابع انرژی، یک قدرت است. در حالی که چین، رهبری خود را در بسیاری از زمینه‌ها به چالش

نیز تعداد دانشجویان بین‌المللی است. هر چند تعداد فارغ‌التحصیلان چین به دلیل جمعیت بیشتر از آمریکا است، اما در زمینه جذب دانشجویان بین‌المللی، همچنان ایالات متحده شماره یک جهان است، البته طبق آمار (نمودار ۵) در چند سال گذشته، شاهد افزایش دانشجویان بین‌المللی در چین هستیم. در بحث نظامی، ایالات متحده آمریکا، همچنان قدرت اصلی نظامی است. در حالی که آلمان، چین، هند و

قطب‌های رسانه و سرگرمی جهان تبدیل کند». هر چند هالیوود هم در این زمینه، دست‌به‌کار شده و به دنبال راه‌های جدید برای جلوگیری از این طرح (با حذف مخاطبان چینی) است و از طرف دیگر، آمار نشان می‌دهد، مزیت قاطع این صنعت، هنوز در دست آمریکا است، اما چین پتانسیل تبدیل شدن به یک بازار بزرگ برای حوزه فرهنگ به شمار می‌رود. چراکه

Ranking the world's 100 largest banks

Current rank*	Previous rank**	Current vs. previous	Company (ticker-exchange)	Headquarters	Accounting principle	Total assets (US\$B)
1	1	NC	Industrial & Commercial Bank of China Ltd. (1398-SEHK)	China	IFRS	5,536.53
2	2	NC	China Construction Bank Corp. (939-SEHK)	China	IFRS	4,762.46
3	3	NC	Agricultural Bank of China Ltd. (1288-SEHK)	China	IFRS	4,575.95
4	4	NC	Bank of China Ltd. (3988-SEHK)	China	IFRS	4,206.53
5	6	▲	JPMorgan Chase & Co. (JPM-NYSE)	U.S.	U.S. GAAP	3,743.57
6	5	▼	Mitsubishi UFJ Financial Group Inc. (8306-TSE)	Japan	Japanese GAAP	3,176.84
7	9	▲	Bank of America Corp. (BAC-NYSE)	U.S.	U.S. GAAP	3,069.50
8	8	NC	HSBC Holdings PLC (HSBA-LSE7)	U.K.	IFRS	2,953.64
9	7	▼	BNP Paribas SA (BNP-ENXTPAF)	France	IFRS	2,905.83
10	10	NC	Crédit Agricole Group ⁸	France	IFRS	2,674.35
11	11	NC	Citigroup Inc. (C-NYSE)	U.S.	U.S. GAAP	2,291.41
12	12	NC	Sanitomo Mitsui Financial Group Inc. (8316-TSE)	Japan	Japanese GAAP	2,176.94
13	13	NC	Japan Post Bank Co. Ltd. (7182-TSE)	Japan	Japanese GAAP	1,998.98
14	20	▲	Postal Savings Bank of China Co. Ltd. (1658-SEHK)	China	IFRS	1,981.53
15	14	▼	Mizuho Financial Group Inc. (8411-TSE)	Japan	Japanese GAAP	1,957.87
16	15	▼	Wells Fargo & Co. (WFC-NYSE)	U.S.	U.S. GAAP	1,948.07
17	17	NC	Barclays PLC (BARC-LSE)	U.K.	IFRS	1,874.40
18	21	▲	Bank of Communications Co. Ltd. (3328-SEHK)	China	IFRS	1,836.38
19	16	▼	Banco Santander SA (SAN-EME)	Spain	IFRS	1,814.90
20	19	▼	Groupe BPCE	France	IFRS	1,724.12

۲۰ بانک برتر جهان

در چین به دلیل جمعیت زیاد و طبقه متوسط، شاهد رشد این صنعت هستیم و انتظار می‌رود تا چند سال آینده، حوزه فرهنگ چین جایگاه شماره یک جهان را به دست آورد.

با توجه به نظم نهادی در سطح جهانی، یک عامل برجسته، برتری ایالات متحده در سازمان‌های مانند شورای امنیت سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول،

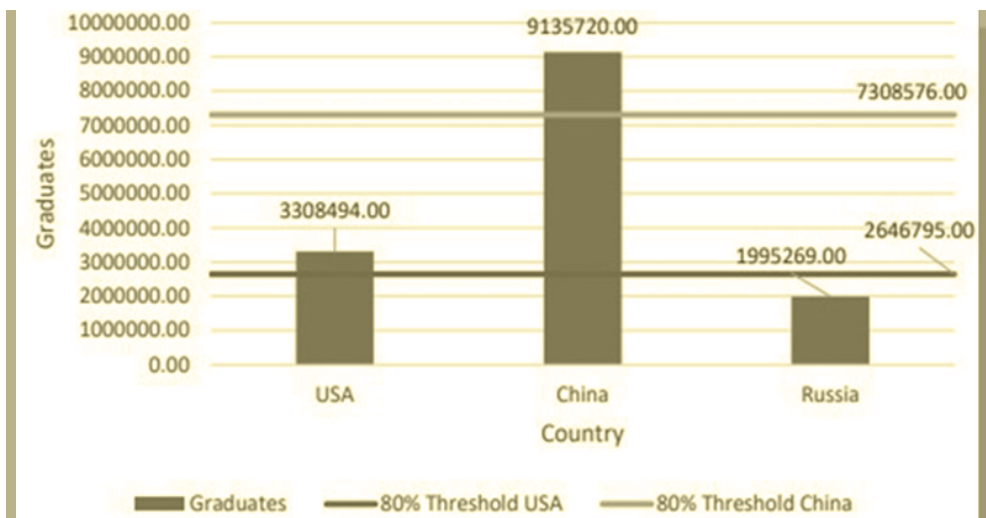
امروزه دغدغه اصلی کشور چین، تنها خرید استودیوهای بزرگ هالیوود نیست، بلکه تبدیل شدن به قطب رسانه و سرگرمی جهان در آینده نه‌چندان دور است. این دغدغه «ونگ شیاهوی»، مدیر اجرایی کمپانی فیلم‌سازی بیرو مطرح شده است که در اسفند ۱۳۹۷ اعلام کرد: «دولت چین با ترغیب فیلم‌سازان این کشور، قصد دارد تا سال ۲۰۳۵، چین را مانند هالیوود به یکی از

است و این امر، باعث می‌شود که توازن قدرت میان قدرت‌های بزرگ تقسیم‌شود و ما، دیگر شاهد هژمونی مطلق در جهان نباشیم.

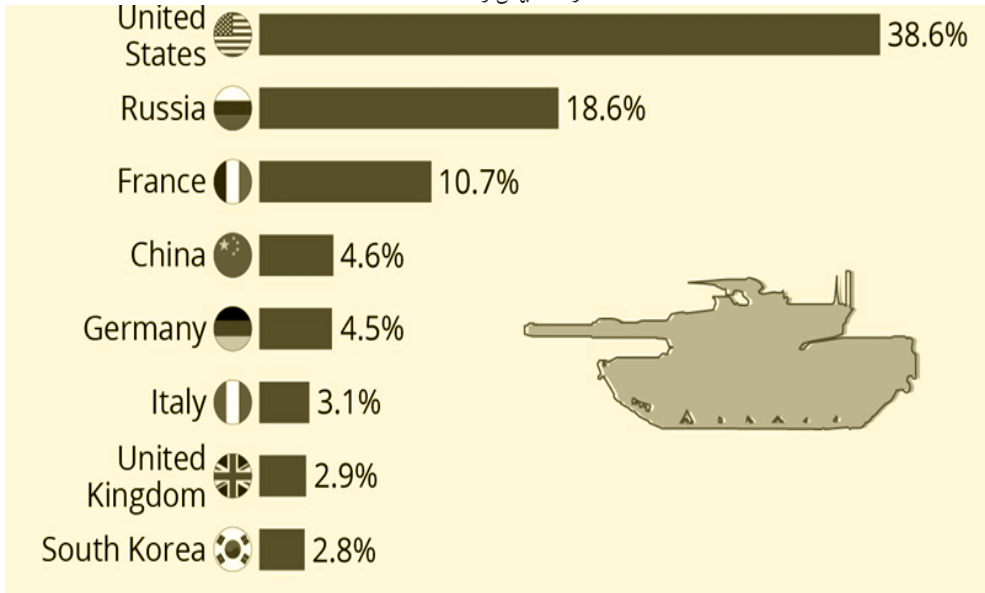
جمع‌بندی

در این یادداشت، به‌خوبی نشان داده شد که آمریکا قبل از جنگ جهانی دوم در زمینه‌های متعددی مانند سهم تولید ناخالص داخلی، تجارت بین‌المللی، جریان‌های مالی و بهره‌وری از انگلستان (هژمونی دوران) تجربه کسب کرده بود و با همین ترتیب، چین در حال پیشروی از آمریکا (هژمونی حال) است، زیرا بیشترین سهم از تولید ناخالص داخلی جهان را دارد. او بزرگ‌ترین صادرکننده است و سطح نوآوری و تولید دانش آن، هر روز به سطوح ایالات متحده نزدیک‌تر می‌شود. البته در این حوزه (تولید دانش) با مانع بزرگ (زبانی) مواجه است؛ اما در مجموع، چین شبیه ایالات متحده آمریکا قبل از جنگ جهانی دوم است و به نظر می‌رسد در آینده نه‌چندان دور،

WTO و G7 است. این سازمان‌ها در حالی ایجاد شدند که مدل لیبرال دموکراسی را که بیش از همه توسط ایالات متحده ترویج می‌شود و به نظر می‌رسد در این حوزه، چین، روسیه و... دشواری عمیقی برای به چالش کشیدن هژمونی آمریکا داشته باشند تا بتوانند در سراسر جهان به یک الگو تبدیل شوند. البته ما، همچنان معتقدیم که رهبری ایالات متحده عملاً در هر زمینه‌ای خود را در یک روند افول می‌بیند و ادامه اعمال هژمونی مطلق را برای آن غیرممکن می‌سازد؛ اما فکت‌های مذکور نشان می‌دهند که نه چین و نه هیچ کشور دیگری در شرایطی نیستند که به‌طور کامل هژمونی آمریکا را به چالش بکشانند و هژمونی مطلق در جهان پیاده کنند. به همین دلیل است که ما معتقدیم، جهان به سمت نظم جدید (نظام چندقطبی) پیش می‌رود؛ بنابراین، آنچه نظم جدید در جهان را از نظم جهانی قبلی متمایز می‌کند، دو بلوک بسته بزرگ نیست، بلکه در فضای باز جهانی شدن و وابستگی متقابل مالی و تجاری میان کشورها



فارغ‌التحصیلان دانشگاهی چین، روسیه و آمریکا



بودجه نظامی ۸ کشور اول جهان

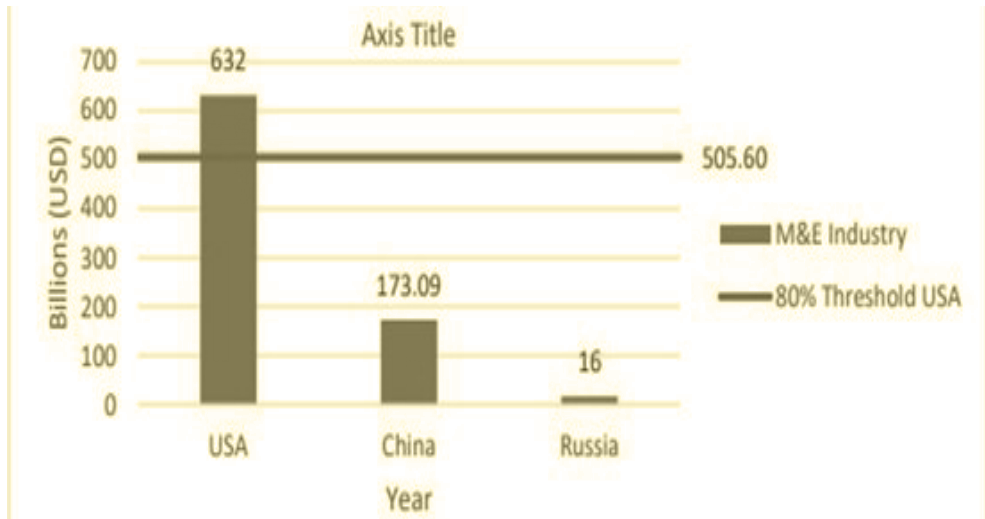
از بحران و چالش‌ها بود، باعث شد که قدرت اول جهان (هژمونی مطلق) را به دست آورد؛ اما برعکس آن، آلمان، روسیه، انگلستان و... به دلیل درگیری در جنگ‌ها و بحران‌ها از رقابت عقب ماندند؛

۲. دوره تاریخی نشان می‌دهد که هژمونی روند گذار است که حداقل یک دهه اجتماعی (۳۰ سال) و از سه مرحله «بحران هژمونی، فروپاشی هژمونی و هژمونی جدید»، تشکیل شده است. به همین ترتیب، نویسندگانی مانند هابسبام و دبات، دوره‌ای را بر اساس تحولات عمیق در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فناوری و ژئوپلیتیک از نظر هژمونی و حکومت جهانی پیشنهاد می‌کنند. مرحله جهانی فناوری اطلاعات در سال ۱۹۸۰ آغاز شد و خود را در یک دوره افول آشکار دید که متضمن دگرگونی عمیقی است که باعث افول هژمونی آمریکا و گذار به

به هژمونی تبدیل شود، هرچند نه هژمونی مطلق دهه ۱۹۹۰ آمریکا؛ زیرا داده‌های واقعی (نه ذهنی) نشان می‌دهد که رقبای دیگری مانند روسیه، هند، آلمان و... در حال تبدیل شدن به قدرت بزرگ هستند. در مجموع و با در نظر گرفتن مباحث مذکور، می‌توان ادعان کرد که افول هژمونی ایالات متحده آمریکا و نظم جدید جهانی به این نتیجه رسیده است که: ۱. گذار هژمونی یک فرآیند تاریخی گسترده است که محصول دو عامل اساسی تضعیف «درونی» و «بیرونی» یک قدرت هژمونی و ظهور یک قدرت جدید برای به چالش کشیدن رهبری آن است؛ مانند قبل از جنگ جهانی دوم که آلمان و ایالات متحده آمریکا برای به چالش کشیدن هژمونی انگلستان تلاش می‌کردند، اما از آنجایی که ایالات متحده قبلاً و قبل از جنگ‌ها (اول و دوم) در بسیاری از زمینه‌ها، برتری اقتصادی پیدا کرد و از لحاظ سرزمینی به دور

آمریکا را حفظ می‌کنند. به همین ترتیب، می‌توان دید که قبل از افول بریتانیا به‌عنوان یک قدرت پیشرو، یک حباب مالی وجود داشت که به دنبال تقویت رهبری هژمونی اقتصادی آن بود و در مورد بحران هژمونی فعلی، حباب دات کام، حباب املاک و... هم‌زمان با پیشی گرفتن چین از ایالات متحده از نظر تولید، اتفاق افتاده است؛ ۴. برخلاف دیگر گذارهای هژمونی، در دوره کنونی هیچ جنگ جهانی (مانند اول و دوم) برای تسریع این گذار وجود ندارد، از این رو، افول قطعی ایالات متحده یا نظم جدید جهانی (ظهور نظم دوقطبی یا چندقطبی)، می‌تواند سال‌ها طول بکشد تا خود را تثبیت کند. از طرف دیگر هر مبارزه هژمونی مستلزم مبارزه برای گسترش سرزمینی است. ایالات متحده با مکزیک، هاوایی، آلاسکا و پورتوریکو گسترش یافت. البته چین، گسترش خود را به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات کالاها

دنیای چندقطبی (نظم جدید) می‌شود و با در نظر گرفتن این مباحث، می‌توان اذعان کرد که هر دو فرآیند انتقال نشان می‌دهند، کشوری هژمون می‌شود که در مرحله اول، برتری در تولید، سرمایه و صادرات داشته باشد. مصداق آن آمریکا است از ابتدای قرن ۲۰ و همچنین، چین از آغاز قرن ۲۱، این کار را انجام داده‌اند که به نظر می‌رسد، روندی غیرقابل توقف باشد؛ ۳. از نظر مالی و پولی که مبتنی بر عناصر کیفی‌تر است، مانند اعتماد، رهبری قدرت در حال رشد جدید عقب می‌ماند. قدرت در حال انحطاط، قدرت خود را تا حد قابل توجهی در این زمینه حفظ می‌کند، همان‌طور که در زمینه نظامی این کار را انجام می‌دهد. به‌وضوح می‌توان شباهت میان دوره گذار بریتانیا و آمریکا و بحران هژمونی کنونی آمریکا را دید. البته هنوز دلار در نقش خود به‌عنوان یک ارز جهانی و قدرت نظامی جهانی آمریکا، دو عامل بزرگی هستند که هژمونی



صنعت رسانه و سرگرمی در چین، روسیه و آمریکا

nic-related-content/global-trends-2030

- Kuhn, Berthold M. Margellos, Dimitrios L. (2022). On the way to a multipolar world order. <https://www.dandc.eu/en/article/chinas-rise-means-us-and-europe-need-adjust-their-foreign-policy-avoid-losing-geopolitical>
- McCarthy, N. (2022). The Biggest Military Budgets As A Share Of GDP. MILITARY SPENDING.
- Mostafa, N. (2022). Global change from the perspective of international political economy.
- World Bank. (2022). Nominal, PPP, Nominal per capita, PPP per capita International Monetary Fund.
- https://photius.com/rankings/gdp_2050_projection.htmlshdj
- <https://www.drishtiiias.com/daily-updates/daily-news-analysis/sipri-yearbook-2022>
- <https://www.spglobal.com/marketintelligence/en/news-insights/latest-news-headlines/the-world-s-100-largest-banks-2022-69651785>

<https://statisticstimes.com/economy/united-states-vs-china-economy.php>

انجام داده است؛ اما دیگر کشورهایی که می‌توانند مانع قدرت تک‌قطبی شوند (کره، ژاپن، هند، آلمان و...)، این ابزار در اختیار ندارند. روسیه هم برای این‌که این ابزار را به دست آورده، در تلاش است تا در اوکراین، کشورهای جداشده از شوروی سابق و غرب آسیا، این ابزار برای خود فراهم کند. احتمالاً به همین دلیل است که آمریکا، تلاش می‌کند تا با برتری ابزار اقتصادی و نظامی، گسترش سرزمینی خود را حفظ کند. از این رو، این احتمال وجود دارد که آمریکا علیه چین، دست به اقدامات تحریک‌آمیز بزند تا جنگ جهانی سوم را آغاز کند و هژمونی خود را با آن تقویت نماید.

منابع

- Ashraf, Nussaiba. (2020). Revisiting international relations legacy on hegemony: The decline of American hegemony from comparative perspective. Review of Economics and Political Science. <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/REPS-05-2019-0061/full/html>
- ASISIAN, NJDEH. (2022). Iran, China, and the Future World Order Unipolarity or Multipolarity? AIR UNIVERSITY, AIR COMMAND AND STAFF COLLEGE.
- Dabat, A. Leal, Paulo. (2019). The rise and fall of the United States in global hegemony. <https://doi.org/10.22201/iiiec.20078951e.2019.199.67934>
- Dabat, A. and Leal, P. (2013). Declinación de EU: contexto histórico mundial.
- GLOBAL TRENDS. (2022). Global Trends 2030: Alternative Worlds. National Intelligence Council, <https://www.dni.gov/index.php/who-we-are/organizations/mision-integration/nic/nic-related-menus/>